

## طرح اندیشه مهدویت از امام علی تا امام سجاد علیهما السلام

امیر غنوی\*

### چکیده

این نوشتار تأملی است در چگونگی طرح آموزه‌های مهدویت از سوی ائمه علیهم السلام از زمان امیرالمؤمنین تا عصر حضرت سجاد علیه السلام. ارائه معارف مهدوی از سوی قرآن و اهل بیت علیهم السلام با توجه به اهداف کلی دعوت دینی، نیازهای مخاطبان عصر صدور و همچنین نیازهای شیعه در اعصار متأخر شکل گرفته است. بررسی محورهای مورد تأکید در این بیانات و تأمل در نسبت آن‌ها با اهداف کلی و نیازهای هر عصر می‌تواند از یک سو طرح کلانی را نشان دهد که در این شکل از تعلیم و تربیت تعقیب شده است و از سوی دیگر، تأثیر تربیتی و اخلاقی هر یک از آموزه‌های مهدوی را نمایان‌تر کند. این پژوهش بر تحلیل محتوایی روایات صادره از چهار امام نخستین شیعه تکیه دارد و می‌کوشد با توجه به شرایط عصر صدور، آثار آموزه‌های مهدوی بر شیعیان را معلوم کند. از این رو، با تعیین محورهای مورد تأکید در سخنان هر یک از معصومین علیهم السلام همراه با ارائه نمونه‌ای از آن و تأمل در نسبت این سخنان با شرایط مخاطبان، تلاش دارد به حکمت و جهت طرح هر یک از آموزه‌ها دست یابد.

پیش‌تر در مقاله‌ای از پیش‌فرض‌ها و روش‌های این تحقیق گفت‌وگو کرده‌ایم. مقاله حاضر، روشن‌گر این سخن است که تعلیم آموزه‌های مهدوی در این برهه از تاریخ ائمه علیهم السلام افزون بر ارائه معارف مهدوی و آخرالزمانی، به نکاتی مهم در تربیت مخاطبان توجه دارد و نوعی زمینه‌سازی برای جلوگیری از آفات بحث مهدویت و نیز انحرافات را متناسب با عصر ائمه نخستین علیهم السلام دنبال می‌کند.

### واژگان کلیدی

آموزه‌های مهدویت، عصر غیبت، ویژگی‌های قائم، علایم ظهور.

پس از رحلت رسول خدا ﷺ طرح آموزه‌های مهدویت، از سوی علی علیه السلام ادامه یافت. پس از طرح مباحث عام در قرآن و آموزش‌های گسترده و همه‌جانبه رسول صلی الله علیه و آله و سلم، طرح این آموزه‌ها از سوی ائمه هدی علیهم السلام نیز ادامه یافت.

طرح آموزه‌های مهدوی از سوی ائمه با اهداف تازه‌ای نیز همراه شد تا پاسخی به نیازهای فکری و روحی شیعه در عصر حضور ائمه علیهم السلام و در عصر غیبت ایشان باشد. این نوشتار، مروری بر روایات وارده در بحث مهدویت از عصر امام علی علیه السلام تا زمان حضرت سجاد علیه السلام است و تلاش می‌کند محورهای مورد توجه و تأکید در این آموزش‌ها مشخص شده و نسبت آن با نیازهای جامعه اسلامی معلوم گردد.

### محورهای بحث در سخنان امام علی علیه السلام

۱. تأکید بر وقوع فتنه‌ها و شمارش آن‌ها تا قیام قائم، ترسیم اوضاع بد آینده و عصر غیبت و حکمت آن؛<sup>۱</sup> جامعه جوان شیعی در عصر خلافت علی علیه السلام از حضور امام معصوم بهره‌مند است و تصویری از آینده پرفراز و نشیب خود ندارد؛ آینده‌ای که در آن حکومت‌های جور با فتنه‌های رنگارنگ، این جامعه جوان را به چالش خواهد کشید. بی‌خبری و ناآمادگی برای آینده می‌تواند زمینه‌ساز حرکت‌های کور باشد و انحطاط و انهدام را به دنبال آورد.<sup>۲</sup>

تأکیدهای علی علیه السلام بر وقوع فتنه‌های گسترده در آینده، شناخت و توجه، آمادگی و حتی انتظار را به دنبال می‌آورد و ظرفیت و تحمل را افزایش می‌دهد. این آگاهی‌های پیشاپیش حتی می‌تواند ایمان و تسلیم مؤمنان را افزایش دهد. قرآن کریم درباره یاران رسول صلی الله علیه و آله و سلم به همین نکته اشاره دارد:

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾؛ (احزاب: ۲۲)

۱. «أخبرنا عبد الرزاق قال: أخبرنا معمر عن طارق عن منذر الثوري عن عاصم بن ضمرة عن علي قال: جعلت في هذه الأمة خمس فتن: فتنه عامة، ثم فتنه خاصة، ثم فتنه عامة، ثم تأتي الفتنه العمياء الصماء المطبقة، التي يصير الناس فيها كالانعام؛ ابن ضمره از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده که فرمود: خدا در این امت پنج فتنه قرار داده: ۱. فتنه عمومی، ۲. فتنه خصوصی، ۳. فتنه عمومی، ۴. فتنه خصوصی، ۵. فتنه‌ای که مردم در آن مثل چارپایان خواهند شد.» (صنعانی، بی‌تا: ج ۱۱، ۳۵۶ - ۲۵۷؛ موسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۸: ج ۴، ص ۱۳ - ۵۰، ۱۱۹ - ۱۲۰، ۱۳۳ - ۱۳۴، ۱۴۴ - ۱۹۰) و...؛ برای حکمت غیبت، نک: شریف رضی، ۱۴۱۴: ۲۶۲)

۲. ﴿وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِئْتَةً فَعَمُوا وَصَمُوا﴾؛ «و گمان کردند که فتنه‌ای نخواهد بود، پس کور و کر شدند.» (مائده: ۷۱)

و هنگامی که مؤمنان لشکرها را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده دادند و خدا و رسولش راست گفتند و نیفزودشان مگر ایمانی و تسلیمی.

در کلمات نقل شده از علی علیه السلام این فتنه‌ها، شمارش شده که گاهی با توصیف کوتاهی نیز همراه است. این توضیحات فضای آینده را در پیش چشم مخاطب روشن تر کرده و آمادگی و ظرفیت را در پی دارد. فتنه‌های پی در پی و رنگارنگ به تحیر و تزلزل می‌انجامد و گمان‌های بد را در دل‌های ضعیف به جنبش درمی‌آورد. اشتیاق به گشایش، روحیه‌های عجول را به امیدهای نابجا می‌رساند؛ امیدهایی که با طولانی شدن راه و تنوع مشکلات، زمینه‌ساز بدبینی، ناامیدی و حتی بازگشت خواهد بود.

شیعه در عصر حضور معصوم از مواهبی برخوردار است که خود التفات چندانی به آن ندارد. ترسیم فضای غیبت و مشکلاتی که در انتظار جامعه شیعه است بردباری و رهایی از تحیر را به دنبال دارد و از آفات غیبت می‌کاهد.

بهره‌گیری امام علیه السلام از تعبیر پیچیده و رمزگونه موجب شد تا با وجود انتقال آموزه‌های مهدویت به اهلش، سخن فاش نشده و در گوش‌های نامحرم ننشیند. این اشاره‌های مرموز در دست عالمان اهل بیت علیهم السلام گشوده می‌شود و به هنگام رخداد حادثه، غبار اجمال از چهره آن به کنار می‌رود.

۲. اسم و نسب قائم و این‌که او نهمین فرزند حسین علیه السلام است؛<sup>۱</sup> اگر آموزه مهدویت با نشانه‌ها و توضیحاتی همراه نشود بستری مناسب برای پیدایش مدعیان دروغین خواهد بود. ائمه هدی علیهم السلام در روایات بسیاری به نسب و اسم موعود اشاره کرده‌اند. این توضیحات راه را بر مدعیان تنگ می‌کند و برای تشخیص صادق از کاذب‌های علاماتی را در اختیار می‌گذارد.

تعیین نسب و این‌که او فرزند حسین علیه السلام است، تأکیدی بر خط وصایت بود که مدعیان بنی‌الحسن و بنی‌فلان را رسوا می‌کرد. این نکته که او نهمین فرزند حسین است، راهی دقیق

۱. «عن أبي وإئلي قال: نظر أمير المؤمنين علي عليه السلام إلى الحسين عليه السلام فقال: إن أئني هذا سيد كما سماه رسول الله صلى الله عليه وسلم سيداً و سيخرج الله من ضلبي رجلاً باسمي يبيئكم بشيئيه في الخلق و الخلق يخرج علي حين غفلة من الناس و إمامة للحق و إظهار للبحر؛ ابواائل نقل کرده است: امیرالمؤمنین علیه السلام نگاهی به حسین کرد و فرمود: این پسر من آقا است؛ همچنان که رسول خدا آقایش نامیده است و روزی خداوند از نسل او مردی را هم‌نام پیغمبر شما بیرون می‌آورد که در صورت و سیرت مانند اوست؛ به هنگام غفلت مردم و مرگ حقیقت و ظهور ستم، خروج می‌کند. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۵)

«قال أمير المؤمنين عليه السلام لأئنيه الحسين عليه السلام: التاسع من ولدك يا حسين، هو القائم بالحق؛ امیرمؤمنان علیه السلام به فرزندش حسین علیه السلام فرمود: ای حسین، نهمین فرزند تو همان قیام‌کننده به حق است.» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱؛ مؤسسه المعارف الإسلامية، ۱۴۲۸: ۴، ۵۱ - ۶۸)

برای تشخیص او نشان می‌داد و هر شبهه‌ای را درباره وجود فرزند و وصی برای امام عسکری علیه السلام از بین می‌برد.

۳. مشخصات اخلاقی و جسمی قائم علیه السلام (مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۸: ج ۴، ۱۰۵ - ۱۱۸): این‌ها نیز علامت و نشانه‌اند، اما از آن مهم‌تر شخصیت حاکم دینی را به رخ می‌کشند و جایگاه ممتاز امامت را ترسیم می‌کنند.

۴. ویژگی‌های اصحاب قائم؛<sup>۲</sup> یاران قائم، نیروهای حکومت مهدوی هستند؛ بزرگانی که بار

۱. «و جاء رجل إلى أمير المؤمنين عليه السلام، فقال له: يا أمير المؤمنين! نبتنا بيهديكم هذا. فقال: إذا درج الدارجون و قَلَّ المؤمنون و ذهب المجلبون فهناك هناك. فقال: يا أمير المؤمنين! ممن الرجل؟ فقال: من بني هاشم من ذروة طود العزب و بحر مغيضها إذا ورتت و مخفر أهلها إذا أتيت و معدن صفوتها إذا اكتدرت لا تجبن إذا المنايا هككت و لا تجور إذا المنون اكتعت و لا ينكل إذا الكماه اضطرت مسمم مغلوب ظفر ضرغامه حصد مخدم ذكر سيف من سيوف الله رأس فتم تشؤ رأسه في بادح السؤدد و عارز أعارزاً مجدده في أكرم المخيد فلا يضرقتك عن تبعيته صارف عارض يئوض إلى الفتنة كل مناص إن قال فسئ قائل و إن سكت فذو دعائر ثم رجع إلى صفة المهدي عليه السلام فقال أوسعكم كهفاً و أكثركم علماً و أوصلكم رجماً اللهم فاجعل بعثه خروجاً من الغمة و اجمع به شمل الأمة فإن خاز الله لك فأغرم و لا تنثن عنه إن وفقت له و لا تجوزن عنه إن هديت إليه هاه و أوما بيده إلى صدره شوقاً إلى رؤيته؛ مردی به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید و به آن حضرت عرض کرد: ای امیر المؤمنین، ما را از این مهدی خودتان آگاه کنید! فرمود: آن‌گاه که رفتنی‌ها بروند و منقرض شوند و مؤمنین اندک شوند و آشوبگران از میان بروند [در بعضی از نسخه‌ها به جای "المجلبون"، "المختبون" است، یعنی خضوع‌کنندگان] پس همان‌جا و همان‌جاست. عرض کردم: ای امیر المؤمنین، این مرد از کدام طایفه است؟ فرمود: از بنی‌هاشم، از برترین نژاد عرب، و از دریایی که از هر سو آب‌ها بر آن سرازیر است، و اما نگاهی که پناهگاه پناهندگان است و کان صفا است، آن‌گاه که همه بی‌صفا شوند. هنگامی که مرگ شیخون زند او را ترسی در دل نباشد و چون مرگ چهره خود را نشان دهد او ضعف و ناتوانی از خود نشان ندهد، و در میدان نبرد و کشتی قهرمانان عقب‌نشینی نکند، دامن همت به کمر زده باشد و پرجمعیت و پیروز و شیر بیشه شجاعت باشد که ریشه ستمگران را از جای برکنند پشتوانه‌ای باشد مردانه و شمشیری از شمشیرهای خدا، سالار و پر خیر و بزرگ شده خاندان جلال و شرف ریشه مجد و بزرگواری‌اش در اصل‌ترین ریشه‌ها باشد. پس تو را هیچ موجب انصرافی - آن‌کس که به سوی هر فتنه‌ای شتابان بگیرد، آن‌کس که اگر سخن بگوید بدترین سخنگوست و اگر خاموش نشیند خبائث‌ها و فسادها در اندرون دارد - از بیعتش منصرف نکند. سپس آن حضرت به توصیف مهدی علیه السلام بازگشت و فرمود: ساحت و درگاهش از همه شما گشاده‌تر و دانش او از همه شما فزون‌تر است و خویشان و نزدیکان را بیش از همه شما سرکشی می‌کند و حفظ پیوستگی می‌نماید. پروردگارا، برانگیخته شدن او را مایه به درآمدن و سر رسیدن دلتنگی و اندوه قرار ده و به واسطه او پراکندگی امت را جمع ساز؛ پس اگر خداوند برای تو خیر خواست پس عزم خود استوار گردان و اگر در راه رسیدن به خدمت او توفیق یافتی از او به دیگری بازمگرد، و هرگاه به سوبیش راه یافتی از او در مگذر! [پس از این سخن‌ها] آه برآورد، و در این حال با دست خویش به سینه خود اشاره نمود و فرمود: چه بسیار به دیدن او مشتاقم!» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۳)

۲. «کنا عند علی عليه السلام فسأله رجل عن المهدي فقال علي عليه السلام: هيهات ثم عقد بيده سبعاً، فقال: ذاك يخرج في آخر الزمان، قال الرجل: الله الله، قتل فيجمع الله تعالى له قوماً قزع كقزع السحاب يؤلف الله بين قلوبهم لا يستوحشون إلى أحد و لا يفرحون بأحد يدخل فيهم على عدة أصحاب بدر لم يسبقهم الأولون و لا يدركهم الآخرون؛ نزد علی علیه السلام بودیم، مردی از حضرت علی علیه السلام درباره مهدی علیه السلام سؤال کرد. حضرت فرمود: دور است. سپس با دست خویش عدد هفت را نشان داد و فرمود: او در آخر الزمان خروج می‌کند و این در حالی است که اگر مردی «الله الله» بگوید کشته می‌شود! در آن روزگار خداوند قوم پراکنده‌ای را که مانند ابرها پراکنده‌اند را گرد می‌آورد دل‌هایشان را به یکدیگر پیوند داده از ترس به سوی کسی نرفته و از ورود کسی در جمعشان به خوشحالی نمی‌پردازند. به تعداد یاران بدر هستند؛ از پیشینیان کسی بر ایشان سبقت

حکومت علوی را بردوش خواهند کشید. ترسیم ویژگی‌های اینان در دل خویش مقایسه‌ای با شیعیان حاضر و اشاره‌ای به ضعف‌های موجود را در پی دارد. همچنین بیان شرایطی را نشان می‌دهد که شکل‌گیری حکومت حجت خدا علیه السلام در گروهی تحقق آن است.

۵. **همراهان و یاوران مهدی علیه السلام**: این روایات به یاوران مهدی علیه السلام پرداخته و برخی اقوام مانند اهل خراسان را به عنوان یاوران حجت خدا علیه السلام معرفی کرده است که به هنگام ظهور، او را یاری می‌کنند. برخی از این روایات از سپاه‌یانی خبر داده که با پرچم‌های سیاهی برای یاری به مهدی علیه السلام حرکت کرده و به جنگ با سفیانی می‌پردازند.<sup>۱</sup>

در برخورد با این روایات باید به دو نکته توجه داشت:

یکم، منبع اصلی این روایات، کتاب *الفتن* ابن حماد است که در عصر عباسیان تألیف شده و ممکن است راویان تحت تأثیر فضای سیاسی مطالب ضعیفی را برای جلب نظر حاکمان بیان کرده باشند. پرچم و لباس سیاه، نشانه و شعار عباسیان بود و این روایات، آنان را به عنوان پشتیبان مهدی علیه السلام و جریان حق معرفی می‌کند.

دوم، نقل این روایات از علی علیه السلام نباید سبب شود که از سند ابن حماد به علی علیه السلام چشم‌پوشی کنیم. سند ابن حماد در نقل این روایات از علی علیه السلام این است: «حدثنا الوليد و رشدین<sup>۲</sup> عن ابن لهيعة عن أبي قبيل عن أبي رومان عن علي بن أبي طالب عليه السلام» (مروزی، ۱۴۱۴: ۱۲۰). در این سند، راوی از علی علیه السلام - ابو رومان - تضعیف شده و به همین دلیل، این سند - حتی از نظر

نجسته و دیگران به ایشان نرسیده‌اند. (حاکم نیشابوری، بی‌تا؛ ج ۴، ۵۵۴)

۱. «عن أبي رومان عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: إذا خرجت خيل السفيناني إلى الكوفة بعث في طلب أهل خراسان و يخرج أهل خراسان في طلب المهدي فيلتيقو هو و الهاشمي برأيات سود على مقدمته شعيب بن صالح فيلتيقو هو و أصحاب السفيناني بباب إصطخر فتكون بينهم ملحمة عظيمة فتظهر الرايات السود و تهرب خيل السفيناني فعند ذلك يتمنى الناس المهدي و يطلبونه؛ ابورومان از علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود: هنگامی که سپاه سفیانی به سوی کوفه خروج کند در جست‌وجوی اهل خراسان می‌فرستد و اهل خراسان نیز در جست‌وجوی مهدی خروج کرده و او و هاشمی با پرچم‌های سیاهی ملاقات می‌کنند که در طلیعه آن سپاه، شعیب بن صالح قرار دارد. او و یاران سفیانی در دروازه اصطخر با یکدیگر برخورد کرده و میانشان جنگی بزرگ درمی‌گیرد و پرچم‌های سیاه پیروز شده و سپاه سفیانی می‌گریزد. در این هنگام مردم آرزوی مهدی را داشته و به جست‌وجوی او برمی‌آیند.» (مروزی، ۱۴۱۴: ۱۹۲؛ همچنین برای روایات متعدد در این باره نک: مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۸؛ ج ۴، ۱۰۵ - ۱۱۷)

۲. مراد از الولید، راوی مشهور، ولید بن مسلم است (ابن سعد، بی‌تا؛ ج ۷، ۴۷۰ - ۴۷۱). رشدین نیز رشدین بن سعد است که بر خلاف راوی قبل ثقة نیست. بخاری او و همچنین راوی پس از او - یعنی عبدالله بن لهیعه - را قابل اعتماد ندانسته است (بخاری، بی‌تا؛ ج ۳، ۳۳۷). ابوقبیل راوی معروفی است که نامش حنّ بن هانی و مورد توثیق جمعی از علمای رجال اهل سنت است (ابن حنبل، ۱: ۲، ۴۸۰؛ عجلی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۳۲۹). اما راوی از امام علیه السلام یعنی ابورومان - که نامش عبدالملک بن یحیی بن هلال است - به ضعف در حدیث و همچنین نقل مطالب ناپذیرفتنی متهم است (عسقلانی، ۱۳۹۰: ج ۳، ۲۸۶).

اهل سنت - نیز قابل اعتماد نیست. افزون بر این، مضامین روایات فوق را در هیچ یک از روایات اهل بیت علیهم السلام نمی توان یافت.

۶. آن چه حجت خدا علیه السلام در نهان به آن مشغول است؛<sup>۱</sup> امام علیه السلام در خطبه ای طولانی از شیوه و رفتار اهل بیت در شرایط دشوار آینده خبر می دهد؛ او با چراغی روشنگر در دست، بند از گردن ها برداشته، بندگان را آزاد کرده، جمع هایی را پراکنده، و پراکنده هایی را جمع می کند. آن چه او می کند در نهان بوده، هیچ رد و اثری از عامل بر جای نمی ماند.

این سخنان از معدود کلماتی است که از معصومین علیهم السلام درباره رفتار حجت خدا در زمانه غیبت به دست ما رسیده است. این سخنان کوتاه، تصویری روشن از نوع فعالیت های امام غایب در اختیار می گذارد؛ فعالیت هایی که همان اهداف امامان ظاهر را تعقیب کرده، اما از ظرفیت های ناشناختگی نیز در تقویت حرکت دینی و کنار زدن دشمنان آن بهره می برد.

۷. توانمندی هایی که در عصر غیبت پدیدار می شود؛<sup>۲</sup> عصر حضور دوره وفور نعمت است؛ نعمتی که می تواند موجب اتکای بیش از حد شود و حتی به کنندی در فهم و حرکت انجامد. زمانه غیبت نیز اگرچه عصر غربت است، اما این غربت می تواند زمینه ساز تلاش بیشتر و بهره گیری عمیق تر از هدایت های باقی مانده باشد. این تلاش های از سر نیاز و خالصانه است که با جام های مدام حکمت به پاداش خود می رسد.

۶. سفیانی و سپاه او؛<sup>۳</sup> ظهور سفیانی علامتی مهم در شناخت قیام حجت خدا علیه السلام است و

۱. «یا قوم! هذا ائبان وورود کُلِّ موعود و [ذنو] ذنو من طلعة ما لا تعرفون الا و ان من اذركها منّا يسري فيها بسراج منير و يخذو فيها على مثال الصالحين ليحل فيها ريقاً و يصدق شعبا و يشعب صدعا في شجرة عن الناس لا ينصر القائف ائنه و لو تابع نظره؛ ای مردم، این زمان ورود هر موعودی است، و هنگام نزدیکی طلوعی است که نمی شناسید، آگاه باشید هر که از ما [اهل بیت] بدان رسد، با چراغی روشن در آن راه رود، و بر جای پای صالحان گام نهد تا بند [از گردن ها] بگشاید، و از بندگی آزاد نماید. جمع [گمراهان] را پراکنده گرداند، و پریشانی [مؤمنان] را به جمعیت کشاند و نهان از مردمان [کارراند]. پی شناس به نشان او راه نبرد، هرچند پیاپی نگردد.» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۲۰۸)

۲. «ثم ليشخذن فيها قوم شخذ القين الفصل تجلى بالنزيل انصارهم و يزى بالتفسير في مسامعهم و يغفون كأس الحكمة بعد الصبوح؛ پس در آن فتنه مردمی ذهن خود را چنان تیز کنند، که آهنگر تیغ را زداید، و دیده هاشان با قرآن جلا گیرد و با تفسیرش در گوش های جان شان جای گیرد. بام و شام جام های حکمت نوشند.» (همو)

۳. «عن عمربن اذينة قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: قال ابي عليه السلام: قال امير المؤمنين عليه السلام: يخرج ان اكلة الاكباد من الوادي اليابس و هو رجل ربة و خش الوجه صخم الهامة بوجهه اثر جذري اذا رأيت حسيته اغور اسمه عثمان و ابوه عنبسة و هو من ولد ابي سفيان حتى يأتي أرضاً ذات قرار و معين فيستوي على منبرها؛ از امام صادق عليه السلام از امیر المؤمنین علیه السلام روایت است که فرمود: پسر هند جگر خوار از بیابانی خشک خروج می کند و او مردی چهارشانه و زشت رو و کله گنده و آبله رو است و چون او را ببینی می پنداری که یک چشم است. نامش عثمان و نام پدرش عنبسه و از فرزندان ابو سفیان است تا به سرزمینی که دارای قرارگاه و خزمی است می رسد و در آن جا بر تخت سلطنت می نشیند.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵۱؛ همچنین برای روایات دیگر نک: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۸: ج ۴، ۱۲۱ - ۱۴۴ و ...)

توضیحات امام علیه السلام این علامت را در اختیار شیعه قرار می‌دهد تا قیام حق را بشناسد. اما سفیانی نشانه ادامه یک جریان نیز هست؛ جریانی که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام در برابر جبهه حق صف‌آرایی کرده‌اند. سفیانی نقطه پایان جریانی است که در برابر نبوت و وصایت قرار دارد و تا به آن روز ادامه خواهد داشت.

تعبیر سفیانی از تعلق این حرکت به آل ابوسفیان خبر می‌دهد؛ تعلقی که نباید آن را در نسبتی خانوادگی خلاصه کرد. ابوسفیان، پدر و پرورش دهنده سفیان‌ها و سفیانی‌هاست؛ همان جریانی که در برابر رسول بزرگ خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت.

۷. **ندای آسمانی و معرفی مهدی علیه السلام**:<sup>۱</sup> به هنگام ظهور حجت خدا، ندایی فضای زمین را در خود می‌گیرد؛ ندایی که همگان را متوجه حادثه‌ای می‌کند که در حال وقوع است. وقوع ندایی از آسمانی راه را بر هراشتباهی می‌بندد و حجت را تمام می‌کند؛ زیرا جعل این علامت برای مدعیان دروغین ممکن نیست. این حادثه غریب، بر اتصال مهدی علیه السلام به آسمان تأکید می‌کند.

۸. **دجال؛ ویژگی‌ها و توانایی‌ها، رفتار و آثار** (مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۸: ۱۹۱ - ۲۰۱ و ۱۷۷ - ۱۷۹)؛ ظهور دجال نیز از علایم قطعی ظهور است. مرور دقیق تر روایات دجال نشان می‌دهد که دجال گاه به عنوان یک تیپ مطرح می‌شود و گاه به عنوان یک شخص. روایاتی که از دجال به عنوان دغدغه همه انبیا الهی سخن می‌گویند، مسلماً مربوط به شخصی نیست که در آخرالزمان ظهور می‌کند. این نگاه عام و نمادین را حتی در ویژگی‌های دجال آخرالزمان نیز می‌توان دید.

بیانات علی علیه السلام در معرفی دجال، نه فقط معرفی نشانه‌هایی از آخرالزمان است، بلکه نشان دادن فتنه‌هایی است که دجال صفتان در هر عصر و دوره‌ای پدید آورده و مردم ساده را به دنبال خود می‌کشند.

۹. **فضل انتظار فرج و وظایف در عصر غیبت**؛<sup>۲</sup> شیعه پس از علی علیه السلام باید در عصری ادامه حیات

۱. «عن أبي رومان عن علي عليه السلام قال: بعد الخسف ينادي مناد من السماء إن الحق في آل محمد في أول النهار ثم ينادي مناد في آخر النهار إن الحق في ولد عيسى وذلك نحوه من الشيطان؛ از ابورومان نقل شده که علی علیه السلام فرمود: بعد از فرورفتن (خسف) بیداء یا فرورفتن لشکریان سفیانی در زمین) فریادگری در آغاز روز از آسمان فریاد می‌کند: به راستی حق در خاندان محمد است. سپس در پایان روز فریادگری فریاد می‌کند که: حق در فرزندان عیسی است، و این سخن و مانند آن از جانب شیطان است.» (مروزی، ۱۴۱۴: ۲۰۹؛ مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۸: ج ۴، ۴۵ - ۴۹، ۱۰۱ و ۱۵۹؛ این مضمون با چند سند از علی علیه السلام نقل شده است)

۲. «الحسين بن علي عليه السلام: عن علي بن أبي طالب عليه السلام أنه قال: التأسع من ولدك يا حسين، هو القائم بالحق المظهر للدين و

دهد که حکومت‌هایی مانند بنی‌امیه و بنی‌عباس بر جان و مال مردم سیطره می‌یابند. باقی ماندن بر مسیر و تداوم حرکتی که علی علیه السلام پس از رحلت رسول صلی الله علیه و آله و انحراف عامه آغازگران بود، به ترسیم نقشه راه و تعیین وظایف، و همچنین ایجاد انگیزه‌ای که شیعه بتواند حتی در عصر غربت و غیبت بر پای خویش بایستد و زمینه‌های ظهور و حکومت حق را فراهم کند نیاز دارد. روایات فضل انتظار فرج و ترسیم وظایف شیعه بر انگیزه و نگاه‌ها اثر می‌گذارد و آنان را برای پس از علی علیه السلام آماده می‌کند.

۱۰. زمین گنجینه‌هایش را برای حجت خدا بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را در اختیار او می‌گذارد؛<sup>۱</sup> تصویرهای سرشار از حکومت حجت خدا صلی الله علیه و آله اتصال زمین و آسمان در حکومت الهی را به

النَّاسِطُ لِلْعَدْلِ... لَكِنْ بَعْدَ غَيْبَةِ وَ حَيْرَةٍ فَلَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُتَبَشِّرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - مِيثَاقَهُمْ بِوَلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُمْ بِرُوحِ مِنْهُ؛ حسين بن علی علیه السلام از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که به او فرمود: ای حسین، نهمین فرزندت همان قائم به حق، پیروزکننده دین و گسترنده عدل است... ولی بعد از غیبت و حیرتی و ثابت نماند در آن غیبت جز مخلصانی که روح یقین را دریافته‌اند کسی بر دینش ثابت نماند؛ آن کسانی که خدای عز و جل پیمان ولایت ما را از آن‌ها گرفته و ایمان در دلشان نوشته شده و آن‌ها را با روحی از جانب خود کمک کرده است. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۰۴)

أَنْتَ لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمَطَاعِ أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ كَيْلًا تَبْظَلُ حُجُجَكَ وَ لَا يَصِلُ أَوْلِيَاؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ بَلْ أَيْنَ هُمْ وَ كَمْ أَوْلِيَاؤُكَ الْأَقْلُونَ عَدَدًا وَ الْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ قَدْرًا الْمُتَّبِعُونَ لِقَادَةِ الدِّينِ الْأَيْمَةِ الْهَادِيْنَ الدِّينِ يَتَأَدَّبُونَ بِأَدَابِهِمْ وَ يَنْهَجُونَ نَهَجَهُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَهْجُمُ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيْقَةِ الْإِيمَانِ فَتَسْتَجِيبُ أَرْوَاحُهُمْ لِقَادَةِ الْعَلِيمِ وَ يَسْتَلِيْمُونَ مِنْ حَدِيثِهِمْ مَا اسْتَوْعَرَ عَلَى غَيْرِهِمْ وَ يَأْتَسُونَ بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْمَكْذُوبُونَ وَ أَبَاهُ الْمُسْرِفُونَ أَوْلِيَاؤُكَ أَتْبَاعُ الْعُلَمَاءِ صَحْبُوا أَهْلَ الدُّنْيَا بِطَاعَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ أَوْلِيَاؤُهُ وَ دَانُوا بِاللَّتَّقِيَّةِ عَنْ دِينِهِمْ وَ الْخَوْفِ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَارْزَأُوهُمْ مُعَلِّقَةً بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى فَعَلَمًا وَهُمْ وَ أَتْبَاعُهُمْ حُرْسَ صُمْتُ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ مُنْتَظِرُونَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ وَ مَنْ يُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَنْحِقُ الْبَاطِلُ هَا هَا طُوبَى لَهُمْ عَلَى صَبْرِهِمْ عَلَى دِينِهِمْ فِي خَالٍ هُدَيْتَهُمْ وَ يَا سَوْقَاةَ إِلَى رُؤْيَتِهِمْ فِي خَالٍ طُهور دَوْلَتِهِمْ؛ تو روی زمینت را از حجتی بر خلق خالی نسازی که او یا آشکار باشد و فرمانش نبرند و یا ترسان و پنهان، تا حجت تو باطل نگردد و دوستانت بعد از آن که هدایتشان فرمودی گمراه نشوند، ولی آن‌ها کجایند و چقدر؟ ایشان از لحاظ شماره بسیار اندک و از لحاظ ارزش نزد خدای - جل ذکره - بسیار بزرگند. ایشان پیرو پیشوایان دین و امامان رهبرند؛ همان امامانی که به آدابشان پرورش یافته و به راه آن‌ها رفته‌اند. این‌جاست که علم و دانش ایشان را به حقیقت ایمان آگاه ساخته و روحشان ندای پیشوایان دانش را لبیک گوید و همان احادیثی که بر دیگران مشکل آید برای ایشان دلنشین باشد و به آن چه تکذیب‌کنندگان از آن وحشت دارند و متجاوزان سر باز می‌زنند انس و الفت دارند. آن‌ها پیرو دانشمندانند، برای اطاعت خدای تبارک و تعالی و اولیایش با اهل دنیا معاشرت کنند و نسبت بدین و برای ترس از دشمن خویش تقیه را آیین خود سازند، روح‌های ایشان به مقام بالا مربوط است و دانشمندان و پیروانشان در زمان دولت باطل لال و خاموشند و همیشه به انتظار دولت حق هستند، خدا هم با کلمات خود (ائمه یا آیات قرآن و یا تقدیر خود) حق را ثابت کند و باطل را از میان ببرد. های، های، خوشا به حالشان که در زمان صلح و آرامش بر دینشان شکیبایی ورزیدند، هان از اشتیاق به دیدارشان در زمان ظهور دولتشان! خدا ما و ایشان و پدران و همسران و فرزندان نیکوکارشان را در بهشت برین جمع خواهد کرد. (کلینی؛ ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۲۵؛ برای بقیه موارد نک: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۲۸: ج ۴، ۸۵ - ۱۰۴)

۱. «يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَالَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَقْلِيْدَ كَيْدِهَا وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدَهَا فَيَرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ التَّيْمِزَةِ وَ يُحْيِي مَيْتَ الْكُتَابِ وَ السُّنَّةِ؛ فرمانروایی که از این طایفه [امویان] نیست، عاملان حکومت را به جرم کردار زشتشان بگیرد [و عذری از آنان نپذیرد]. زمین گنجینه‌های خود را برون اندازد و کلیدهای خود را در اختیار او گذارد؛ روش عادلانه را به شما بنماید و آن چه از کتاب و سنت مرده است زنده کند.» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۱۹۵)



نمایش می‌گذارد و نمونه‌ای از پاداش ایمان و تقوایبشگی<sup>۱</sup> را ترسیم می‌کند.

### محورهای بحث در کلمات امام حسن علیه السلام

عصر حسن بن علی علیه السلام، عصر غربت امام و کم‌توجهی به دین و جایگاه ولیّ خداست. روایات بسیار محدود امام مجتبی علیه السلام نشان از وضعیت فضای فکری و بحران اجتماعی عصری دارد که آغاز تسلط بنی‌امیه و اوج تلاطم و آشفتگی شدید در جامعه شیعه است. اگرچه روایات امام مجتبی علیه السلام در بحث مهدویت بسیار محدود است، اما اعتبار و اتقان بیشتری دارد؛ زیرا در منابع شیعه نقل شده و مطالب غریب و شاذ در آن‌ها به چشم نمی‌خورد.

۱. نهمین فرزند امام حسین علیه السلام؛<sup>۲</sup> اراده پروردگار بر این قرار گرفته بود که خط وصایت در اولاد حسین بن علی علیه السلام تداوم یابد. آن‌ها که جز به خواست پروردگار نمی‌اندیشیدند فارغ از انتساب به حسن یا حسین علیه السلام با همه وجود به حمایت از کسی می‌پرداختند که مهر الهی امامت بر نامه او خورده بود. اما آدمی فرزند انتخاب خود و ساخته عمل خویش است. دنیاطلبی در هر دلی راه می‌یابد، حتی در دل اولاد علی علیه السلام.

سخنان حسن بن علی علیه السلام در ادامه خط وصایت در اولاد حسین علیه السلام حجتی تام و تمام بر اولاد اوست؛ اولادی که برخی از آنان گاه به طمع منصب دنیوی و گاه برای فرار از رنج‌های ظالمان به ادعای مهدویت و نجات‌بخشی تمسک کرده و دل‌های خسته از حکومت ظالمان را به سوی خود جذب کردند.

۲. ویژگی‌های امام؛ بر شمردن ویژگی‌ها و فضایل حضرت مهدی علیه السلام می‌تواند نصاب و توقع دین از حاکم و حکومت را نشان دهد. اما اشاره به اموری مانند ولادت پنهانی، پنهان و ناشناخته بودن امام، عمر طولانی و نبودن بیعت ظالمان برگردن او ذهنیت شیعه را برای شرایطی کاملاً نامأنوس آماده می‌کند؛ شرایطی که باور به آن و آمادگی برای تحمّل فضای دشوار غیبت به زمینه‌سازی طولانی نیاز دارد و توضیح و تأکیدهای ائمه علیه السلام در این راستا قابل درک است.<sup>۳</sup>

۱. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْفُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ». (اعراف: ۹۶)

۲. «عَنِ الْأَصْبَغِ قَالَ: سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ: الْأَيُّمَةُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ اثْنَا عَشَرَ تِسْعَةً مِنْ صُلْبِ أَخِي الْحُسَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأَيُّمَةُ؛ از اصغ نقل شده که شنیدم حسن بن علی علیه السلام می‌فرمود: امامان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله دوازده نفرند؛ نه از پشت برادر حسین و از آن‌هاست مهدی این امت.» (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۲۲۳)

۳. «أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَفْعُ فِي عُنُقِهِ تَبِعَةٌ لِبَاغِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يُصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ علیه السلام خَلَقَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُخْفِي وِلَادَتَهُ وَ يُعَيِّبُ شَخْصَهُ لِنَلَا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ تَبِعَةٌ إِذَا خَرَجَ ذَلِكَ النَّاسِيعُ مِنْ وِلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورَةٍ شَابٍ ذُوْنِ أَرْبَعِينَ سَنَةً ذَلِكَ لِيُعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

۳. وسعت زمین برای بز و فاجر تا روز ظهور؛<sup>۱</sup> با پایان حکومت امام مجتبی علیه السلام حکومت سلاطین و پادشاهان آغاز می‌شود و شیعه باید خود را برای چنین شرایطی آماده کند؛ شرایطی که در آن خوبان و بدکاران در گستره زمین زندگی کرده و خوبان باید آماده باشند تا در این شرایط نیز از خوبی‌ها حراست کنند و به گسترش آن بپردازند.

مؤمن در عصر حکومت‌های حق - علی و حسن علیهما السلام - به پاسداری مشغول است و در دوره حکومت‌های باطل باید با تقیه خود را حراست کرده به ساختن نیرو و فراهم کردن زمینه‌ها برای بازگشت خاندان عصمت به مسند قدرت بپردازد. شیعه باید بداند که تا زمان قیام حجت خدا علیه السلام در چنین شرایطی خواهد زیست و باید اهداف و حرکت دینی خود را در قالب‌ها و شکل‌های جدیدی جست‌وجو کند.

۴. سختی روزگار غیبت و جهل مردم و بروز اختلافات شدید در جامعه شیعه؛<sup>۲</sup> این بیانات نیز نوعی آماده‌سازی برای شرایط دشوار را در خود دارد که با دیدن صدق وعده‌ها می‌توان توقع داشت به جای ناامیدی و یأس، فزونی ایمان و تسلیم بنشینند. همچنین این تصویر امیدبخش را می‌توان دید که در اوج ظلمت باید طلوع نور را انتظار کشید.

۵. تأییدهای پروردگار با ملائک، عصمت یاران و نصرت با آیه‌ها؛<sup>۳</sup> آن‌جا که آدمیان با خدا و ولی او پیمان بسته، همراه می‌شوند آسمان به زمین متصل می‌گردد. ملائک به یاری مؤمنان شتافته و مؤمنان در لغزش‌گاه‌ها حفظ می‌شوند. نشانه‌های برافراشته از پیش، راه را بر اهل حق

شبی قَدِیْرٌ؛ آیا نمی‌دانید که هیچ‌یک از مائمه نیست جز آن‌که بیعت سرکش زمانش برگردن اوست مگر قائمی که روح الله عیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌خواند؟ خداوند ولادت او را مخفی می‌سازد و خودش را پنهان می‌کند تا آن‌گاه که خروج کند بیعت احدی برگردن او نباشد. او نهمین از فرزندان برادرم حسین است و فرزند سرور کنیزان، خداوند عمر او را در دوران غیبت طولانی می‌گرداند، سپس با قدرت خود او را در صورت جوانی که کمتر از چهل سال دارد ظاهر می‌سازد تا بدانند که خداوند بر هر کاری تواناست.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۱۶)

۱. «أبشیر یا سفیان! فإن الدنيا تسع البر والفاجر حتی بیعت الله إمام الحق من آل محمد صلی الله علیه و آله؛ بشارت بر تو ای سفیان، به راستی دنیا برای نیکوکار و بدکار وسعت دارد تا هنگامی که خدا رهبر حق از خاندان محمد صلی الله علیه و آله را برانگیزد.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۱۶، ۴۵)

۲. «حَتَّى یَبْعَثَ اللهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كَلَبَ مِنَ الذَّهْرِ وَ جَهْلٍ مِنَ النَّاسِ؛ تا آن‌که خداوند مردی را در آخر الزمان و روزگار سختی و جهالت مردم بر می‌انگیزد.» (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۹۱)

«لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَ حَتَّى يَنْزَأَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ يَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَ يَثْفَلَّ بَعْضُكُمْ فِي وَجْهِ بَعْضٍ وَ حَتَّى يَشْهَدَ بَعْضُكُمْ بِالْكَفْرِ عَلَى بَعْضٍ؛ امری که انتظارش را می‌کشید نخواهد شد تا برخی از شما از دیگری بی‌زاری جسته و برخی دیگری را لعن کرده و بعضی آب دهان بر روی بعضی دیگر انداخته و حتی برخی از شما به کفر برخی دیگر شهادت می‌دهید.» (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۳۸)

۳. «يُؤَيِّدُهُ اللهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَ يَعْصِمُ أَعْزَاهُ وَ يَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ...؛ خداوند او را با فرشتگانش تأیید کرده و یارانش را مصون نگه داشته و با نشانه‌های خویش او را یاری می‌کند.» (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۹۱)

روشن و حجت را بر همگان تمام می‌کند.

۶. پیروزی او بر اهل زمین و **يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ عَدْلًا** و...؛<sup>۱</sup> پرتکرارترین ندای مهدوی در میان آموزه‌های معصومین همین سخن است؛ سخنی که شور و امید را در دل شیعه حتی در هنگامه شکست در برابر آل ابی‌سفیان و آل معاویه زنده می‌داشت.

۷. روزگار در حکومت امام **عَلَيْهِ السَّلَام**؛ ایمان همگان، صلح و آرامش حتی میان درندگان، رویش زمین و برکات آسمان و آشکار شدن گنج‌ها، **چهل سال حکومت امام**؛<sup>۲</sup> این تصویر جامعه‌ای را نشان می‌دهد که از امام و حجت خدا **عَلَيْهِ السَّلَام** برخوردار است. این مواهب برای آن‌هاست که خود را به شایستگی حضور در جامعه علوی و مهدوی رسانده باشند. این همه رشد، برکت و آرامش حاصل زندگی در سایه سار حکومت معصوم **عَلَيْهِ السَّلَام** است و حکومت ترازوی که شیعه توقع آن را دارد همین است.

### محورهای بحث در سخنان امام حسین **عَلَيْهِ السَّلَام**

عصر حسین **عَلَيْهِ السَّلَام** ادامه‌ای بر عصر حسن **عَلَيْهِ السَّلَام** در غربت و تنهایی معصومین و سيطره ظالمان است. اما رهبری حسن بن علی **عَلَيْهِ السَّلَام** از آشفتگی و تحیر جامعه شیعه کاست و محوریت اهل بیت را سبب شد. در کلمات کم‌شماری که از امام حسین **عَلَيْهِ السَّلَام** در بحث مهدویت بر جای مانده، چند محور مورد توجه است:

۱. **نهمین فرزند من**؛<sup>۳</sup> تعیین خط وصایت هم از سوی حسن **عَلَيْهِ السَّلَام** و هم از سوی حسین **عَلَيْهِ السَّلَام** برای شیعه بسیار راه‌گشاست؛ زیرا این دو، مهر پیامبر و علی را بر مقام و زبان خود دارند و راه را بر سوءاستفاده مدعیان می‌بندند. مشخص کردن تعداد واسطه‌ها میان حسین **عَلَيْهِ السَّلَام** و امام غایب، حجتی قاطع بر آنان است که ادعای وقف بر امام کاظم و غیر او را مطرح کردند و همچنین پاسخی محکم به شبهه بی‌فرزندی امام عسکری **عَلَيْهِ السَّلَام** است.

۱. «و يُظْهِرُهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعاً وَ كَرْهاً يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا وَ نُوراً وَ يُزْهِنَانَا يَدِينُ لَهُ عَرْضُ الْبِلَادِ وَ طَوْلُهَا لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ بِهِ وَ لَا ظَالِمٌ إِلَّا صَلَحَ؛ او را بر تمام اهل زمین چیره سازد تا جایی که همه - چه با میل چه با کراهت - مطیع او شوند. او زمین را پر از قسط و عدل و نور و برهان کند، تا جایی که تمامی سرزمین‌ها پیرو او شوند، همه کافران به او ایمان آورده و مردم تبهکار صالح شوند.» (همو)

۲. «وَ تَضَلُّخٌ فِي مُلْكِهِ السَّبَاغِ وَ تُخْرُجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَ تُنْزَلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا وَ تَطْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَمْلَأُ مَا بَيْنَ الْخَافِقِينَ أَرْبَعِينَ عَاماً قَطُوبِي لَمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ؛ درندگان در حکومت او آرام و در صلحند، و زمین رویبندی خود را ظاهر و آسمان برکاتش را نازل ساخته و تمام گنج‌ها برایش آشکار شده، و برای چهل سال بر تمام عالم حاکم شود؛ خوشا به حال کسی که روزگار او را درک می‌کند و سخنش را می‌شنود.» (همو)

۳. «قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةَ هُوَ النَّاسِغُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ وَ هُوَ الَّذِي يُقْسِمُ مِيرَاثَهُ وَ هُوَ حَيٌّ.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۱۷)

۲. کشتار سنگین قریش؛<sup>۱</sup> در میان قبایل عرب، بزرگ‌ترین دشمنان پیامبر ﷺ و جانشینان او از قبیله قریش اند. علی علیه السلام سرّاین دشمنی را در حسادت و احساس حقارتی می‌داند که با انتخاب پیامبر ﷺ و علی علیه السلام در دل ایشان جای گرفت؛<sup>۲</sup> احساسی که با شکست‌هایی از امیرمؤمنان علیه السلام و خواری‌ها و نابودی‌ها به کینه‌هایی عمیق بدل شد.<sup>۳</sup>

کربلا اوج کینه‌توزی‌های قریش به هنگام قدرت است. قریش در عصر امام حسن و امام حسین علیه السلام همه کفر، کینه، حسد و احساس حقارت خود را آشکار می‌کند. خبر دادن حسین علیه السلام به کشتار این جنایتکاران به دست مهدی علیه السلام و برقراری موازین حق و عدل می‌تواند نوعی تشریفی برای شیعیان رنج‌کشیده و شاید تحذیری برای جنایتکاران قریش باشد.

۳. غلبه دین بر سایر ادیان و **یملأ الله...**؛<sup>۴</sup> وعده پیروزی کامل و تکرار نوای «یملأ الله...» در دل شیعیان رنج‌کشیده و محصور، بذر امید می‌کارد و شور و نشاط آورده، تحمل رنج‌ها را سبک‌تر می‌کند.

۴. **تصریح به طولانی بودن غیبت، پیدایش تردید و تزلزل‌ها در این عصر و ارزش صبر؛**<sup>۵</sup> غیبت برای کسانی که عصر حضور را درک کرده‌اند خطر آشفستگی، بازگشت و تزلزل را دارد.

۱. «عن یسیر بن غالب الأسدي قال: قال لي الحسين بن علي عليه السلام: يا بشر! ما بقاء قریش إذا قدم القائم المهدي منهم خمسمائة رجل فصرّب أغناقهم صبرا ثم قدم خمسمائة فصرّب أغناقهم صبرا ثم خمسمائة فصرّب أغناقهم صبرا؛ بشر بن غالب اسدی می‌گوید: حسین بن علی علیه السلام به من فرمود: ای بشر، از قریش چه می‌ماند اگر قائم مهدی پانصد نفر از آنان را پیش کشد و همه را دست بسته گردن زند، سپس پانصد نفر را پیش کشد و همه را دست بسته گردن زند، سپس پانصد تن و همه را دست بسته گردن زند؟» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۵)

۲. «عن علی علیه السلام: ما لي و لقریش؟! و الله لقد قاتلتهم كافرين و لأقاتلتهم مفتونين و إني لأصاحبهم بالأمس كما أنا صاحبهم اليوم و الله ما تنقيم منا قریش إلا أن الله اختارنا عليهم فأدخلناهم في حوزتنا؛ مرا با قریش چه کار؟! به خدا در روزگار کفرشان با آنان جنگیدم، امروز هم محض انحرافشان با آنان پیکار می‌کنم. دیروز رویارویشان قرار داشتم، امروز هم در مقابلشان ایستاده‌ام. به خدا قسم، قریش کینه‌ای از ما ندارد جز آن‌که خدا ما را بر آنان برگزید، و ما آنان را در زمره خود در آورديم.» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۷۷)

۳. «عن جعفر عن أبيه علیه السلام قال: قال رجل لعلي بن الحسين عليه السلام: ما أشد بغض قریش لأبيك! قال: لأنه أورد أولهم النار و ألزم آخرهم العار؛ مردی نزد علی بن حسین علیه السلام آمد و گفت: چه سخت بغضی دارند قریش به پدرت! فرمود: از برای آن‌که اولشان را به آتش کشید و پایانشان را با بی‌آبرویی همراه کرد.» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۱۰۷)

۴. «هو الإمام القائم بالحق يحيي الله به الأرض بعد موتها و يظهره في دين الحق على الذين كلبه و لو كره المشركون له؛ اوست امامی که به حق قیام می‌کند. زمین پس از مرگش به او زنده شده و دین حق بر همه ادیان پیروز می‌گردد، اگر چه مشرکان را خوش نیاید.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۱۷)

«هو قائمنا أهل البيت يصلح الله تبارك و تعالی أمره في ليلة واحدة.» (همو؛ همچنین همو، ۱۳۷۸: ج ۱، ۶۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۹: ج ۵، ۱۹۶)

۵. «هو الذي يغيب مدة طويلة ثم يظهر و يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً.» (حر عاملی، ۱۴۱۹: ج ۵، ۱۹۶)

«له غيبة يرتد فيها قوم و يثبت على الدين فيها آخرون فيؤذون فيقال لهم: متى هذا الوعد إن كنتم صادقين أما إن الصابرين في غيبته على الأذى و التكدب بمنزلة المجاهد بالسيف بين يدي رسول الله صلى الله عليه و آله» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ۶۸)

این خطر برای آنان که جز بر شنیده‌ها و خوانده‌ها تکیه ندارند نیز هست، البته با عواملی متفاوت.

ارائه این تصویرها از آینده، ذهن و روح جامعه شیعه را برای دوره غیبت آماده می‌کند. این تصویرسازی از سوی حسین بن علی علیه السلام می‌تواند به توجه به نقش و جایگاه امام حاضرانجامد و ارتباطی قوی‌تر را سبب شود.

۵. رنج‌های امام در غیبت و جنگ بی‌انقطاع هشت ماهه؛<sup>۱</sup> شناخت رنج‌ها و تلاش‌های مهدی علیه السلام توجه و محبت به او را به دنبال دارد؛ زیرا این رنج‌ها و تلاش‌ها برای بهروزی و سعادت مردم است.

۶. تقسیم میراث امام در زمان حیاتش؛<sup>۲</sup> امام چنان از دیده‌ها پنهان ماند که حتی در تقسیم ارث پدر، او در نظر نبود. شمشیرهایی که سال‌ها تولد او را انتظار می‌کشید تنها این‌گونه بود که راه گم می‌کرد. او امامی است که حتی میلادش مستور است و این پنهان‌کاری ناگزیر، هم علامتی برای راه‌جویان است و هم زمینه‌ای است برای رویش تردیدها. اعلام این نکته از سوی معصومین علیهم السلام زمینه تردید را به دلیل صداقت بدل می‌کند و از تاریکی راهی به سوی نور می‌گشاید.

۷. وسعت عدل او برای بر و فاجر؛<sup>۳</sup> عدالت قائم وسعت‌آفرین است. رعایت استحقاق‌ها و حراست از حدود و مرزهای فردی و اجتماعی از یک سو امنیتی پایدار را به دنبال دارد و از سوی دیگر برای همگان فرصت‌های مناسب رشد فراهم می‌کند. میوه‌های این فضای تازه، در دسترس همه چه خوب و چه بد - خواهد بود.

این بشارت، شوق به ظهور او را در دل هر مؤمنی می‌نشانند. عدل چنان عرضی عریض برای

۱. «قُلْتُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام: أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ صَاحِبُ الْأَمْرِ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ، أَلَمْ تُؤْتِرْ بِأَبِيهِ، أَلَمْ كُنِّي بِعَمِّي، يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ؛ به حسین بن علی علیه السلام عرض کردم: تو صاحب این امر هستی؟ فرمود: نه، صاحب‌الامر طرد شده فراری است، خون‌خواه پدر، کنیه‌اش با نام عموبیش است که شمشیرش هشت ماه بر دوشش خواهد بود.» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۱۵)

۲. «هُوَ صَاحِبُ الْعَبِيَّةِ وَ هُوَ الَّذِي يُقَسَّمُ مِيرَاثُهُ وَ هُوَ حَيٌّ؛ او همراه غیبت است و او کسی است که در حالی که زنده است ارثش تقسیم می‌شود.» (همو)

۳. «عَنْ بَشْرِ بْنِ غَالِبِ الْأَسَدِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: قَالَ لِي يَا بَشْرُ بْنُ غَالِبِ! مَنْ أَحَبَّنَا لَا يُحِبُّنَا إِلَّا لِلَّهِ جُنَّتَا نَحْنُ وَ هُوَ كَهَاتَيْنِ وَ قَدَّرَ بَيْنَ سَبَاتِنَيْهِ وَ مَنْ أَحَبَّنَا لَا يُحِبُّنَا إِلَّا لِلدُّنْيَا فَإِنَّهُ إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَ شَعَّ عَدْلُهُ الْبَرَّ وَ الْفَاجِرَ؛ از بشر بن غالب اسدی نقل شده است که: حسین بن علی علیه السلام به من گفت: ای بشر بن غالب، هر کس ما را دوست بدارد نه دوست‌داشتنی جز برای خدا، ما و همانند این دو - با دو انگشت سیاب‌ه‌اش اندازه گرفت - با این فاصله همراه خواهیم بود و اگر کسی ما را جز برای دنیا دوست نداشته باشد، پس به راستی هنگامی که به‌پادارنده عدل قیام کند، عدالتش شامل حال نیکوکار و بدکار می‌شود.» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۶۱)

رشد، امنیت و بهره‌مندی درست فراهم می‌آورد که دنیاطلبان و بدکاران گرفتار ظلم نیز برای رسیدن به این زندگی سرشار اشتیاق ظهور حکومت عدل را خواهند داشت.

۸. اصلاح امور مهدی علیه السلام در یک شب، همانند یوسف و موسی بن عمران علیهم السلام؛<sup>۱</sup> این نکته از حسین بن علی علیه السلام نقل شده که امور مهدی علیه السلام در یک شب اصلاح می‌شود؛ همان سنتی که در اصلاح امر یوسف و موسی بن عمران علیهم السلام ظهور کرد. اشاره به تکرار سنت الهی درباره او می‌تواند اشاره به خط اتصال جریان حق باشد که سرآغاز آن را باید در اولیا و انبیای گذشته جست؛ سنتی که در اهل بیت پیامبر علیهم السلام نیز ادامه خواهد یافت.

وعدۀ امام بر اصلاح امر قائم علیه السلام در یک شب این نوید را در خود دارد که آن جا که امر حق باشد راه‌های دور نزدیک خواهد شد. در میان آشفتگی‌ها و بی‌سروسامانی‌ها نباید به یأس نشست که اگر برای او بکوشیم و خود را به شرایط امداد حق برسانیم، دخالت او هر مشکلی را حل می‌کند که او از مانع‌ها مرکب می‌سازد و از بن‌بست‌ها راه می‌گشاید.

### محورهای بحث در سخنان امام سجاد علیه السلام

۱. از فرزندان فاطمه، از ذریه حسین، و هفتمین فرزند امام باقر علیه السلام (مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۸: ج ۴، ۲۷۸، ۲۷۹ و ۲۹۹)؛ ادعای مهدویت و سوسه‌ای است که بسیاری از دنیاطلبان را به سوی خود کشاند. وعدۀ رسول خدا صلی الله علیه و آله به نجات امتش از ظلم با ظهور مهدی به نوعی عشق و انتظار بدل شد؛ عشق و انتظاری که اگر محبوب و موعود خود را بیابد سر و دل درگروی او می‌گذارد.

دستیابی به این قدرت معنوی آرزوی کسانی شد که آماده بودند دین را برای رسیدن به قدرت هزینه کنند. توضیحات امام سجاد علیه السلام راه را بر سوءاستفاده‌ها تنگ می‌کرد. مهدی علیه السلام از اولاد فاطمه علیها السلام است و کیسانیه و عباسیان جایی برای ادعای مهدویت ندارد. تنها جانشین سبط پیامبر صلی الله علیه و آله - یعنی امام سجاد علیه السلام - خط وصایت و مهدویت را در اولاد حسین منحصر می‌کند تا جایی برای مدعیان بنی‌الحسن باقی نباشد و خط را به باقر علیه السلام می‌رساند تا زیدیه و شعارهای انقلابی‌اش حق جویان را دچار تردید نکند و خط وصایت را در نسل بزرگی چون زید فرزند امام سجاد علیه السلام نجوید، اگر چه به شمشیر قیام کرده و در راه نهی از منکر به خون

۱. «قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام: فِي النَّاسِ فِي النَّاسِ مِنْ وَوَلَدِي مِنْ يُوسُفَ وَ سُنَّةُ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ علیهم السلام وَ هُوَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُصَلِّحُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ؛ حسین بن علی علیه السلام فرمود: در نهمین فرزندم سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران علیهم السلام هست و او قیام‌کننده ما اهل بیت است. خدای تبارک و تعالی کار او را در یک شب اصلاح می‌کند.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۱۷)

نشسته باشد.

او هفتمین فرزند باقر علیه السلام است، پس واقفه به غلط کوشیدند به امامت امام رضا علیه السلام تن نداده و مهدویت امام کاظم علیه السلام را علم کنند. این عدد حجتی نیز هست بر وجود فرزندی برای امام عسکری علیه السلام حتی اگر مورخان، بی اطلاع از تولد پنهانی او باشند.

**۲. معرفی امام در قالب سلام بر او با بیان القاب، مخفی بودن ولادت و نبودن بیعت طاغیان بر گردنش؛<sup>۱</sup> توصیف هر یک از ائمه علیهم السلام در قالب زیارت نامه‌ها و ترسیم جایگاه ایشان روشی معمول در احادیث است. در احادیث مهدوی گاه در قالب زیارت، سلام و عرض ارادت فضایل و ویژگی‌های امام برشمرده شده است.**

در زیارتی منقول از امام سجاد علیه السلام، حضرت مهدی علیه السلام با ذکر برخی اوصاف مورد زیارت قرار گرفته و به محضر او عرض سلام شده است. امام سجاد علیه السلام ده‌ها سال پیش از ولادت مهدی علیه السلام او را زیارت کرده است؛ این شیوه بیان برای مخاطب خبر از حتمی بودن غیبت و ظهور آن امام دارد و او را در ذهن و دل شیعه چنان زنده می‌دارد که حتی پیش از میلاد نیز او را مخاطب قرار داده و برای سلامتی‌اش دعا می‌کند.

از سرّ تأکید بر مخفی بودن ولادت مهدی علیه السلام پیش‌تر گفتیم. پنهان ماندن ولادت امام علیه السلام فراغتی را نیز موجب می‌شود و آن خارج ماندن از دایره تحمیل‌های حکومتی است. اگر مهدی علیه السلام شناخته می‌شد، چاره‌ای جز تعیین تکلیف خود با حکومت‌ها نداشت و با آماده نبودن شرایط قیام، گریزی از بیعت نبود؛ بیعتی که او را متعهد و در چارچوبی محدود می‌کرد. ناشناختگی امکانی است تا نگاه‌ها بر تو متمرکز نشده و حساسیت‌ها از بین برود، مجبور به تعیین تکلیف و پذیرش چارچوب نباشی و در حرکت‌ها و شروع و ختم‌ها آزادانه عمل کنی.

**۳. معرفی جعفر کذاب و شرح کارهای او؛<sup>۲</sup> پنهان ماندن تولد امام علیه السلام زمینه‌ای برای**

۱. «وَالْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ وَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ الْإِمَامُ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ.» (ابن طباوس، ۲۳۳: ۱۴۱۱)

«تَخْفَى وَ لَادَتْهُ عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَقُولُوا لَمْ يُولَدْ بَعْدَ لِيَخْرُجَ حِينَ يَخْرُجُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بِنَعْتُهُ؛ وَ لَادَتْهُ مَخْفَى مِ مَانَد تَا جَابِي كَه مِي كُوبِنْد مَتُولَد نَشْد بَرَاي اَيْن كَه هِنكَا م خُرُوج، بِيَعْت كَسِي بَر كُورْدَنَش نَبَاشَد.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۲۳)

۲. «فَقُلْتُ لَهُ: يَا سَيِّدِي! فَكَيْفَ صَارَ اسْمُهُ الصَّادِقَ وَ كُلُّكُمْ صَادِقُونَ؟ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: إِذَا وُلِدَ ابْنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَاسْمُهُ الصَّادِقَ فَإِنَّ لِلْحَامِسِ مِنْ وُلْدِهِ وَ لِدَا اسْمُهُ جَعْفَرُ يَدْعِي الْإِمَامَةَ اجْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ وَ كَذِبًا عَلَيْهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ جَعْفَرُ الْكَذَّابِ الْمُفْتَرِي عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمُدْعَى لِمَا لَيْسَ لَهُ بِأَهْلِ الْمُخَالَفِ عَلَى أَبِيهِ وَ الْحَامِسُ لِأَخِيهِ ذَلِكَ الَّذِي يَزُومُ كَشْفَ سَثْرِ اللَّهِ عِنْدَ غَيْبَتِهِ وَلِيَّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. ثُمَّ بَكَى عَلَيَّ

سوءاستفاده قدرت طلبی‌های فرزند ناخلف امام هادی علیه السلام بود. جعفر بن هادی در چنین زمینه‌ای و با آگاهی از حساسیت حکومت به بیت امام عسکری علیه السلام و همچنین استفاده از تمایل حاکمان به جانسینی فرد نامناسب و آلوده‌ای مانند او به توطئه پرداخت؛ توطئه‌ای برای دستیابی به آن‌چه از امام عسکری بر جای مانده بود؛ توطئه‌ای که برای توفیق آن باقی از قتل امام علیه السلام نیز نداشت.

توطئه جعفر کذاب با توجه به ناگزیری اصحاب و اهل بیت امام عسکری علیه السلام از سکوت می‌توانست به انحراف یا ارتداد بسیاری انجامد و دفع این توطئه جز با توضیح ائمه پیشین ممکن نبود. اولین نشانه‌های روشن‌گری در باب فتنه جعفر کذاب را در عصر امام سجاد علیه السلام می‌توان یافت.

۴. تعبیر غریب «لا یقوم القائم بلا سفیانی» که معنای عامی به سفیانی می‌دهد؛<sup>۱</sup> حمیری در قرب‌الاسناد از امام سجاد علیه السلام این نکته را نقل کرده است که «قائم ما زمانی برای ملاقات و آشنایی مردم قیام می‌کند.<sup>۲</sup> سپس فرمود: قائم بدون یک سفیانی قیام نخواهد کرد. مسئله

بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِكَأَنَّ شَدِيداً ثُمَّ قَالَ: كَأَنِّي بِجَعْفَرِ الْكَذَّابِ وَ قَدْ حَمَلَ طَاغِيَةَ زَمَانِهِ عَلَى تَفْتِيشِ أَمْرِ وَلِيِّ اللَّهِ وَ الْمَغَيَّبِ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَ التَّوَكُّلِ بِحَرَمِ أَبِيهِ جَهْلًا مِنْهُ بِوَلَادَتِهِ وَ جِزْصاً مِنْهُ عَلَى قَتْلِهِ إِنْ ظَفَرَ بِهِ وَ ظَمَعاً فِي مِيرَاثِهِ حَتَّى يَأْخُذَهُ بِغَيْرِ حَقِّهِ؛ گفتم: ای سرورم، چرا نام او صادق شده است در حالی که همه شما صادق هستید؟ فرمود: پدرم از پدرانش از رسول خدا - صلوات الله عليهم اجمعين - روایت فرموده است: آن‌گاه که فرزندم جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام متولد شد، نامش را صادق بگذارید که پنجمین از سلاله او فرزندی است که نامش جعفر است که از روی تجزیر بر خدای تعالی و دروغ بستن بر او ادعای امامت می‌کند و او نزد خدا جعفر کذاب و مفتری بر خدای تعالی است و مدعی مقامی است که اهل آن نیست و مخالف پدر خویش و حسود بر برادر خود است. او کسی است که می‌خواهد در هنگام غیبت ولی خدای تعالی او را بر ملا سازد. سپس علی بن الحسین علیه السلام به سختی گریست، آن‌گاه فرمود: گویا جعفر کذاب را می‌بینم که طاغی زمانش را وادار می‌کند تا در امر ولی الله و غایب در حفظ الهی و موکل بر حرم پدرش تفتیش کند به سبب جهلی که بر ولادت او دارد، و حرصی که بر قتل او دارد، اگر به او دسترسی یابد، و طمعی که به میراث او دارد تا آن را به ناحق غصب کند.» (همو: ۳۲۰)

۱. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: يَقُومُ قَائِمُنَا لِمُؤَافَاةِ النَّاسِ سَنَةً. قَالَ: يَقُومُ الْقَائِمُ بِلَا سَفِيَانِي! إِنَّ أَمْرَ الْقَائِمِ حَثْمٌ مِنَ اللَّهِ، وَ أَمْرُ السَّفِيَانِي حَثْمٌ مِنَ اللَّهِ، وَ لَا يَكُونُ قَائِمٌ إِلَّا بِسَفِيَانِي؛ از علی بن حسین علیه السلام نقل شده که فرمود: قائم ما در موسمی که مردم به حج می‌روند قیام می‌کند. پرسیدم: آیا قائم بدون خروج سفیانی قیام می‌کند؟ فرمود: قیام قائم ما از جانب خدا حتمی و آمدن سفیانی نیز همین‌گونه حتمی است و قائم نخواهد بود مگر همراه با یک سفیانی.» (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۷۴)

۲. «عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ... قَالَ الْمُفَضَّلُ: يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ بَدَأَ ظُهُورَ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ التَّسْلِيمُ؟ قَالَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَا مُفَضَّلُ! يُظَاهِرُ فِي شَهْبَةِ لَيْسْتَبِينَ فَيَعْلُو ذِكْرَهُ وَ يُظَاهِرُ أُمَّرَهُ وَ يُنَادِي بِاسْمِهِ وَ كُنْيَتِهِ وَ نَسَبِهِ وَ يَكْثُرُ ذَلِكَ عَلَى أَفْوَاهِ الْمُحَقِّقِينَ وَ الْمُتَطَلِّينَ وَ الْمُؤَافِقِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ لِتَلَزَمَهُمُ الْحُجَّةُ بِمَعْرِفَتِهِمْ بِهِ عَلَى أَنَّهُ قَدْ قَصَصْنَا وَ دَلَّلْنَا عَلَيْهِ وَ نَسَبْنَا وَ سَمَّيْنَاهُ وَ كَتَبْنَاهُ وَ قَلْنَا سَمِيَّ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَوِّ كُنْيَتَهُ لَيْلًا يَقُولُ النَّاسُ مَا عَرَفْنَا لَهُ اسْمًا وَ لَا كُنْيَةً وَ لَا نَسَبًا وَ اللَّهُ لَيَتَحَقَّنَ الْإِفْصَاحَ بِهِ وَ بِاسْمِهِ وَ نَسَبِهِ وَ كُنْيَتِهِ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ حَتَّى لَيْسَمِيَهُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ كُلُّ ذَلِكَ لِلزُّومِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ ثُمَّ يُظَاهِرُهُ اللَّهُ كَمَا وَعَدَ بِهِ جَدُّهُ صَفِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ مفصل [به امام



قائم و مسئله سفیانی امری حتمی از جانب خداست.» استفاده از لفظ نکره درباره سفیانی، نشان از آن دارد که سفیانی می‌تواند عنوانی برای یک گونه یا به اصطلاح امروز تیپ باشد نه نام شخصی معین. این تعبیر همراه با تعابیر مشابه درباره دجال می‌تواند قرینه‌ای بر نمادین بودن برخی علایم ظهور باشد.

۵. دعا برای امام و برای تعجیل فرج او و اشاره به برخی ویژگی‌ها در قالب دعا و همچنین شفیع قرار دادن او (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۱ - ۳۱۱)؛ دعای امام سجاد علیه السلام برای امامی که تولد نیافته، درخواست تعجیل در فرج او و همچنین شفیع قرار دادن آن حضرت به درگاه پروردگار سبب می‌شود موعود علیه السلام پیش از آن‌که پای در دنیا بگذارد در دل‌ها زنده و حاضر باشد و ذهن‌ها به او متوجه گردد.

در سخنان امام سجاد علیه السلام تکرار نکاتی را مشاهده می‌کنیم که پیش‌تر از سوی معصومین به آن اشاره شده بود؛ نکاتی مانند:

الف) طولانی شدن غیبت و فضیلت‌های اهل زمان غیبت و منتظران ظهور؛<sup>۱</sup> قرار گرفتن در غیبت می‌تواند فرصت باشد نه حرمان که می‌توان در غیبت، از منتظران بود و از حاضران در رکاب معصوم علیه السلام پیش افتاد. در همین روایات انتظار فرج را برترین فرج‌ها شمرده شده است؛

صادق علیه السلام گفت: در وقت ظهورش چگونه است؟ فرمود: ای مفضل، او در فضای شبهه‌ناکی آشکار می‌شود، تا تردیدها را از بین ببرد، یادش بلند شده، کارش آشکار گردیده و به نام و کنیه و نسبش فریاد شده، از دهان اهل حق و باطل و موافق و مخالف بسیار شنیده می‌شود تا با شناخت او حجت بر مردم تمام شود، با آن‌که ما از او گفته‌ایم و به سویب راهنمایی کرده و نام، نسبت و کنیه‌اش را برده و گفته‌ایم که او هم نام جدش پیغمبر خدا و هم کنیه اوست تا مبادا مردم بگویند اسم و کنیه و نسب او را نشناختیم! به خدا سوگند چنان او و نام و نسب و کنیه‌اش بر زبان‌ها جای می‌گیرد که از همه این‌ها برای یکدیگر نام می‌برند. همه این‌ها برای اتمام حجت بر آن‌هاست. آن‌گاه همان‌طور که جدش وعده داده، خداوند او را غلبه می‌دهد، همان‌گونه که به جد او علیه السلام وعده کرده بود در سخن خدای عز و جل: اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید. (خصیعی، ۱۴۱۹: ج ۱، ۳۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۵۳ و ۴)

۱. «قَالَ: ثُمَّ تَمَّتْ الْغَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الْثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. يَا أَبَا خَالِدٍ! إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْظَاهُمْ مِنَ الْغُفُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمَجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شَيْعَتُنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سِرًّا وَ جَهْرًا! فرمود: پس از آن غیبت ولی خدا - دوازدهمین وصی رسول خدا علیه السلام - طولانی خواهد شد. ای ابا خالد، مردم زمان غیبت آن امام - که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند - از مردم هر زمانی برترند، زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آن‌ها عطا فرموده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است، و آنان را در آن زمان به مانند مجاهدان پیش روی رسول خدا علیه السلام که با شمشیر به جهاد برخاسته‌اند قرار داده است. آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما و دعوت‌کنندگان به دین خدای تعالی در نهان و آشکارند.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۰)

«وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام: أَنْتِظَرُ الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ؛ انتظار گشایش از بزرگ‌ترین گشایش‌هاست.» (همو؛ وعده اجر بسیار بر ثبات بر موالات ائمه در غیبت؛ همو: ۲۲۳)

زیرا گشایش و پیروزی بزرگ‌تر در نبرد مؤمن با شیطان و نفس شکل می‌گیرد.

ب) جریان سنت‌های انبیایی مانند نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب علیهم‌السلام و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در او؛<sup>۱</sup> این تذکر تداوم سنت‌های اولیای خدا را گوشزد کرده و غرابت زندگی و رفتارهای مهدی علیه‌السلام را از ذهن مخاطبان می‌زداید و در کنار آن گوشه‌هایی از آموزه‌های مهدوی را آموزش می‌دهد.

ج) چگونگی شروع قیام، همراهی ملائک، تعداد همراهان و محل ظهور در شهر کوفه (مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۸: ج ۴، ۲۹۳ و ۲۹۸)؛ این توضیحات علاماتی برای تشخیص به دست می‌دهد و اتصال آسمان به زمین را در عصر ظهور ترسیم کرده و بر حقانیت مهدی علیه‌السلام تأکید می‌کنند. این توضیحات مخاطب را با موقعیت امام سجاد علیه‌السلام نیز آشنا نموده و آگاهی و احاطه را بر آینده‌ها گوشزد می‌نماید.

د) اشاره به برخی علایم ظهور: خروج‌ها و فاجعه‌ها (همو: ۲۹۲ - ۲۹۷)؛<sup>۲</sup>

ه) قدرت یافتن فوق‌العاده مؤمنان هنگام قیام قائم، پیروزی اسلام بر سایر ادیان هنگام ظهور او، تکرار تعبیر «یملأ الله...»؛<sup>۳</sup> که پیش‌تر از سز ارائه این آموزه سخن گفته شد.

## نتیجه

در تعلیم آموزه‌های مهدویت از عصر امام علی تا عصر حضرت سجاد علیه‌السلام چند نکته لحاظ شده است:

یکم، بیان جنبه‌هایی از معارف مهدوی که با نیازهای آن روز مخاطبان تماس

۱. «فی القائمین مئاً سنن من الأنبياء، سنه من آيينا آدم عليه‌السلام و سنه من نوح و سنه من إبراهيم و سنه من موسى و سنه من عيسى و سنه من أيوب و سنه من محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم. فأما من آدم و نوح فطول العمر، و أما من إبراهيم فخفاء الولادة و اغترال الناس، و أما من موسى فالخوف و الغيبة، و أما من عيسى فاختلاف الناس فيه، و أما من أيوب فالفرج بعد البؤس، و أما من محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فالخروج بالسيف؛ در قائم ما سنت‌هایی از انبیاء وجود دارد: سنتی از پدرمان آدم عليه‌السلام و سنتی از نوح و سنتی از ابراهیم و سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از ایوب علیهم‌السلام و سنتی از محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. از آدم و نوح طول عمر، از ابراهیم پنهانی ولادت و کناره‌گیری از مردم، از موسی خوف و غیبت، از عیسی اختلاف مردم درباره او، از ایوب فرج پس از گرفتاری، و از محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خروج با شمشیر.» (همو: ۳۲۲)

۲. در این روایات از سفیانی، خروج عوف بن سلمی و خروج شعیب بن صالح از سمرقند و از تسلط تاتارها بر بغداد و همچنین از برخی بلاهای طبیعی در نجف به عنوان علایم خروج مهدی علیه‌السلام سخن گفته شده است.

۳. «عن علي بن الحسين عليه‌السلام قال: إذا قام قائمنا أذهب الله عز و جل عن شيعتنا العاهة و جعل قلوبهم كقبر الحديد و جعل قوة الرجل منهم قوة أربعين رجلاً و يكونون حكام الأرض و ستأمها؛ از امام سجاد علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: آن‌گاه که قائم ما قیام کند، خداوند متعال همه بیماری‌ها را از شیعیان ما برمی‌دارد و دل‌های آن‌ها را به سان پاره‌های آهن قرار داده و به هر کدام از آن‌ها نیروی چهل مرد را قرار می‌دهد و آنان فرمانروایان زمین و بزرگان آن خواهند بود.» (صدوق، ۱۴۰۳: ج ۲، ۵۴۱)

نزدیکی داشته؛  
دوم، ارائه توضیحاتی که در ادامه می‌تواند به یاری حرکت اسلامی آمده و ابهام‌ها و مشکلات  
آینده را از پیش بردارد؛  
سوم، نکاتی که باید به دست آیندگان برسد تا راه را برای مدعیان دروغین مهدویت  
تنگ کند؛  
چهارم، آموزه‌های عام مهدوی و نگاه منجی‌گرایانه دینی که بخشی مهم از معارف شیعی را  
تشکیل می‌دهد.

## منابع

- ابن ابى الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قم، مكتبة آية الله نجفى مرعشى، ١٤٠٤ق.
- ابن بابويه، على بن حسين، الامامة والتبصرة من الحيرة، تحقيق: مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم، مدرسه امام مهدي عليه السلام، ١٤٠٤ق.
- ابن حنبل، ابو عبد الله احمد بن محمد، العلل ومعرفة الرجال، تحقيق: وصى الله بن محمد عباس، بيروت، المكتب الاسلامى - رياض، دارالخانى، ١٤٠٨ق.
- ابن سعد، ابو عبد الله محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر، بى تا.
- ابن طاوس، على بن موسى، مهج الدعوات ومنهج العبادات، تحقيق: ابوطالب كرماني و محمد حسن محرر، قم، دارالذخائر، ١٤١١ق.
- اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة فى معرفة الائمة، تحقيق: سيد هاشم رسولى محلاتى، تبريز، انتشارات بنى هاشمى، ١٣٨١ق.
- بخارى، محمد بن اسماعيل، التاريخ الكبير، تحقيق: سيد هاشم الندوى، بيروت، دارالفكر، بى تا.
- برقى، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقيق: جلال الدين محدث، قم، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٧١ق.
- حاكم نيشابورى، محمد بن عبد الله بن محمد، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: يوسف عبدالرحمن المرعشلى، بيروت، دارالمعرفة، بى تا.
- حر عاملى، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ١٤١٩ق.
- حميرى، عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤١٣ق.
- خزاز رازى، على بن محمد، كفاية الاثر فى النص على الائمة الاثنى عشر، تحقيق: عبداللطيف حسيني كوه كمرى، قم، انتشارات بيدار، ١٤٠١ق.
- خصيبى، حسين بن حمدان، الهداية الكبرى، بيروت، البلاغ، ١٤١٩ق.
- شريف رضى، محمد بن حسين، نهج البلاغة (نسخه صبحى صالح)، تحقيق: فيض الاسلام، قم، انتشارات هجرت، ١٤١٤ق.
- صدوق، محمد بن على بن حسين، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٤٠٣ق.

- \_\_\_\_\_ ، *عيون أخبار الرضا عليه السلام*، تهران، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ق.
- \_\_\_\_\_ ، *كمال الدين وتمام النعمة*، تهران، انتشارات اسلاميه، ۱۳۹۵ ق.
- \_\_\_\_\_ ، *عبد الرزاق بن همام، المصنف، تحقيق: حبيب الرحمن الاعظمى، بى جا، بى نا، بى تا.*
- \_\_\_\_\_ ، *احمد بن على، الاحتجاج على اهل اللجاج، تحقيق: محمد باقر خرسان، مشهد، نشر مرتضى، ۱۴۰۳ ق.*
- \_\_\_\_\_ ، *محمد بن حسن، الغيبة للحجة، تحقيق: عبادالله تهرانى و على احمد ناصح، قم، دارالمعارف الاسلامية، ۱۴۱۱ ق.*
- \_\_\_\_\_ ، *احمد بن عبدالله بن صالح، معرفة الثقات، تحقيق: عبدالعليم عبدالعظيم البستوى، مدينه، مكتبة الدار، ۱۴۰۵ ق.*
- \_\_\_\_\_ ، *احمد بن على (ابن حجر)، لسان الميزان، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.*
- \_\_\_\_\_ ، *محمد بن يعقوب، الكافي، تحقيق: على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران، دارالكتب الاسلامية، ۱۴۰۷ ق.*
- \_\_\_\_\_ ، *محمد باقر، بحار الانوار، تحقيق: جمعى از محققان، بيروت، داراحياء التراث العربى، ۱۴۰۳ ق.*
- \_\_\_\_\_ ، *مروزى، نعيم بن حماد، كتاب الفتن، تحقيق: سهيل زكار، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۴ ق.*
- \_\_\_\_\_ ، *مؤسسة المعارف الاسلامية، معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۲۸ ق.*
- \_\_\_\_\_ ، *محمد بن ابراهيم، كتاب الغيبة، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.*